

ادبیات کودک در

ژاپن

Yoshiko Takenaka

مینا اخباری آزاد

Book Bird, Vol. 33, No.1-2 spring summer 1995

می‌شد، توسط مربیان آموزشی آن زمان تهیه می‌شد و سپس در اختیار کودکانی از طبقه جنگجویان و راهبان بودایی قرار می‌گرفت. این کتاب‌ها دارای انواع اطلاعات لازم برای تعلیم و تربیت این کودکان بود و در نسخه‌هایی با خط زیبا نوشته می‌شد. در اواخر قرن نوزدهم، کودکان طبقه متوسط نیز به منظور فراگیری روش نوشتن با قلم‌مو، از این نسخه‌ها استفاده می‌کردند.

دایرةالمعارف مصور کودکان، به نام «کان موزویی» یا «کین موزویی» که از نظر اطلاعات قابل قیاس با دایرةالمعارف «کومینوس» (دنیای آشکار، منتشر شده به سال ۱۶۵۸) است، در ۱۹۶۶ انتشار یافت.

قبل از این که اثرهای ادبی مخصوص کودکان منتشر شود، کودکان طبقه مرفه از ادبیات بزرگسال بهره می‌گرفتند. آن‌ها در حالی که کنار پدر و مادر خود می‌نشستند، به قصه‌های عامیانه قدیمی گوش می‌دادند و یا از تماشای «اماکی» (تصویرهایی که روی طومار کشیده می‌شد) و قصه‌های باستانی را به تصویر می‌کشید، لذت می‌بردند.

با این همه و با شروع قرن سیزدهم، هم‌چنان که طبقه جنگجویان، به تدریج جایگزین طبقه حاکمان اشرافی آن زمان می‌شد، داستان‌های کنجی میازاوا و داستان‌های بلند دیگر، به ویژه آن‌هایی که مورد علاقه اشراف بود، کم‌کم محبوبیت خود را از دست دادند. داستان‌های کوتاه با مضمون‌های عامه‌پسند منتشر شد. این داستان‌های تصویری که بعدها به آن‌ها «اتوگیزشی» می‌گفتند، مضمون‌های خود را از افسانه‌ها، داستان‌های عامیانه و حکایت‌هایی که از زمان‌های گذشته نقل می‌شد، گرفته بودند. آن‌ها در واقع، رونویس نسخه‌های موجود از قبیل طومارهای مصور و کتابچه‌های رنگ‌آمیزی شده زیبایی بودند به نام «ناراهن». مدت زیادی نگذشت که این کتاب‌ها شکل کامل‌تری به خود گرفتند؛ یعنی کتابچه‌هایی با صفحه‌های چوبی به چاپ می‌رسید که حروف و تصاویر، روی آن کنده‌کاری می‌شد.

این کتاب‌ها «تانرگوبان» نامیده می‌شد. تا قرن هفدهم، حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰

در این مقاله، یوشیکو تاکناکا، با توجه به منشأ ادبیات در قرون وسطی و نفوذ فرهنگ غرب بعد از سال ۱۹۶۸، در دو بخش، ادبیات کودک در ژاپن را ارزیابی کرده است. علاوه بر آن، آثار مشهور نویسنده ژاپنی، کنجی میازاوا را نیز مورد نقد و بررسی قرار داده است.

در ژاپن امروز، کتاب‌های بسیاری برای کودکان منتشر می‌شود و ادبیات به‌گونه‌ای چشم‌گیر، محبوب همگان شده است. هم‌چنین ادبیات کودک در ژاپن، وجهه ملی کسب کرده است. به ویژه بعد از کسب مدال «هانس کریستین اندرسن»، توسط دو تصویرگر، به نام‌های آکاباسوکی چی در ۱۹۸۰، آنومی‌تسو‌ماسا در ۱۹۸۴ و شاعری به نام میشیو مادو در سال ۱۹۹۴. با وجود این، پیشرفت و گسترش ادبیات کودک در ژاپن، بدون زمینه قبلی نبوده است. در نوشته‌های ژاپنی از ترجمه آثار منتخب به‌گونه‌ای چشم‌گیر بهره گرفته شده است. متن حاضر، به بررسی منشأ و تاریخ و وضعیت کنونی ادبیات کودک در ژاپن می‌پردازد.

تحول‌های اولیه

ظهور ادبیات کودک، چه در ژاپن و چه در غرب، به معنای امروزی آن، تحولی به شمار می‌رود که به تازگی پیشرفت‌هایی حاصل کرده است. اولین نشانه‌های این تحول، در اواسط قرن نوزدهم، هم‌زمان با مدرنیزه شدن صنایع ژاپن، پس از سال‌ها رکود آشکار شد. با این که شناخت جزئیات اولیه ادبیات کودک در ژاپن، به دلیل عدم دسترسی به کتاب‌های قبل از دوران «می‌جی» (۱۸۶۸-۱۹۱۲)، میسر نیست، با این همه می‌توان با استفاده از منابع گوناگون در این زمینه، به دیدی کلی دست یافت.

اولین کتاب‌های کودک در ژاپن، هم‌چون غرب، فقط جنبه آموزشی داشتند. این کتاب‌ها در حدود قرن چهاردهم منتشر می‌شدند؛ یعنی در زمانی که جانشینی طبقه جنگجویان یا همان سامورایی‌ها به جای اشرافیت، در صدر تغییرهای ایجادشده در فرهنگ ژاپنی به شمار می‌رفت. این کتاب‌ها که به شکل نامه نوشته

افسانه‌ها»، داستان‌های هانس کریستین آندرسن، «افسانه‌های ایزوپ»، «ماجراهای رابینسون کروزوئه»، «قصه‌های هزار و یک شب»، «سفرهای گالیور» و داستان‌های ژول ورن. با وجود این، بیشتر ترجمه‌ها آزاد بود و با نسخه اصلی تفاوت آشکاری داشت. حتی گاهی قسمت‌هایی از داستان که با فرهنگ و شیوه زندگی ژاپنی‌ها هماهنگی نداشت، به کلی حذف و یا تغییر داده می‌شد.

پس از آن در سال ۱۸۹۰، درست چهار سال پس از انتشار نسخه اصلی کتاب «لرد کوچولو فانتلری»، این کتاب به دلیل ترجمه ماهرانه و وفاداری به متن اصلی، محبوبیت فراوانی به دست آورد. این ترجمه ابتدا به صورت شماره‌های

**شعرها و داستان‌های میازاوا، با بهره‌گیری از قوه تخیلی قوی،
از دیدگاه بودایی نسبت به جهان شروع می‌شود و با حساسیتی خاص،
به سوی چشم انداز طبیعی بینش آبا و اجدادی خود پیش می‌رود.
حالا دیگر کتاب‌های میازاوا، در میان خوانندگان ژاپنی،
هواخواهان بسیاری دارد و تا کنون
به چندین زبان ترجمه شده‌اند**

عنوان کتاب داستان تصویری، با مضمون‌های عامه‌پسند به چاپ رسیده بود. گرچه این کتاب‌ها برای کودکان نوشته شده بود، عموماً در شمار کتاب‌های محبوب جوانان قرار نمی‌گرفتند. با وجود این، از نظر زنان جوان، داستان‌های آموزنده‌ای داشتند. به دلیل مصور بودن این کتاب‌ها، وقتی آن‌ها را برای کودکان می‌خواندند، کودکان با نگاه کردن به تصویرهای آن، لذت می‌بردند.

بعدها با بالا رفتن فرهنگ در میان طبقه تجار ثروتمند شهری، اولین کتب مخصوص کودکان منتشر شد. «آکاهن» که به دلیل رنگ جلدشان به آن‌ها کتاب‌های قرمز می‌گفتند، کتاب‌های تصویری کوچکی بودند که به سبکی ساده و با استفاده از حروف چوبی، روی کاغذهای کلفت چاپ می‌شد. این کتاب‌ها دارای داستان‌های عامیانه و برخی دیگر از داستان‌های کودک بود که برای خردسالان خوانده می‌شد. هر آکاهن تقریباً ۱۰ صفحه داشت و معمولاً دارای متن کوتاه و تصویرهای بسیار بود. این کتاب‌ها ابتدا در قرن هفدهم رایج شد و تا اوایل قرن هجدهم به اوج محبوبیت خود رسید. این محبوبیت بیشتر نتیجه غیرمستقیم کوشش‌های دولت فئودال، برای محدود کردن سرگرمی‌های محبوب بزرگسالان بود.

برخی از هنرمندان پیشتاز در حرفه چاپ چوبی، استعداد خود را در زمینه انتشار کتاب‌های کودک به کار گرفتند. با وجود این، نویسندگان کتاب‌های داستانی، خیلی زود از سادگی مطالب خسته شدند و شروع به خلق داستان‌های پیچیده‌تر کردند. آن‌ها از جمله‌ها و واژگان طنزآمیز در نمایش‌نامه‌ها سود بردند و ابداعات دشوارتری را نیز با آن تلفیق کردند. رنگ جلد کتاب‌های آکاهن، ابتدا به آبی، سپس مشکی و دست آخر نیز به زرد تغییر پیدا کرد. کتاب‌های آکاهن شامل نوع تازه‌ای از ادبیات عامه‌پسند برای بزرگسالان بود.

دوران معاصر

اصلاحات امپراتور می‌جی در سال ۱۸۶۸، تغییرهای بسیاری را برای ژاپن به ارمغان آورد. تا آن زمان، ژاپن به دلیل سیاست جدایی طلب دولت فئودال، با دنیای غرب ارتباط نداشت. در حالی که امروز ژاپن می‌کوشد برای نوسازی، با فرهنگ و مؤسسات غربی،

ارتباط برقرار کند. ژاپن قاطعانه در جهت سازمان‌دهی کشوری به مراتب قوی‌تر و ثروتمندتر از هر کشور غربی گام برمی‌دارد. رژیم جدید، تمام نیروی خود را روی تعلیم و تربیت نسل جوان متمرکز کرده است و به علاقه‌مندی‌های کودکان در جامعه توجه نشان می‌دهد. در سال ۱۸۷۲ نظام آموزشی، به معرفی یک سیستم درسی نوین در سطح مدرسه‌ها پرداخت که براساس آن، مدرسه‌های ابتدایی در سرتاسر کشور تأسیس شد. برنامه آموزشی این مدرسه‌ها، طبق روش کشورهای غربی ارزیابی شد. متن بسیاری از کتاب‌ها نیز دقیقاً از ترجمه خارجی کتاب‌های مشابه گرفته می‌شد. تمام مدرسه‌های ابتدایی، از دولتی گرفته تا خصوصی، به اصلاحات مقدماتی دست‌زده بودند، اما ادبیات کودک، تنها پس از به اجرا درآمدن نظام آموزشی جدید در مدرسه‌ها، به طور اساسی پیشرفت کرد.

گذر از عصر چاپ حروف چوبی و رسیدن به روش‌های چاپی کامپیوتری، باعث انتشار کتاب‌های آموزشی بسیاری شد. این کتاب‌ها افکار و فرهنگ غرب را هم به کودکان و هم به بزرگسالان معرفی کرد.

پیش از این، برخی از داستان‌های خارجی، در سال‌های آخر دهه ۱۸۸۰، برای کودکان ترجمه شده بود؛ مثل داستان‌های دنباله‌دار برادران گریم، به نام «کودک و

پی‌درپی، در مجله‌های آموزشی چاپ می‌شد و داستان مناسبی برای کودکان به حساب می‌آمد. این دوره، عصر شکوفایی انتشار ماهنامه‌های مختلف در ژاپن به حساب می‌آمد. در آن زمان، چاپ چند مجله جدید مخصوص کودکان آغاز شد. از نمونه این مجله‌ها می‌توان از مجله «شوئن این» (۱۸۹۵-۱۸۸۸) و «شکوکومین» (۱۸۹۵-۱۸۸۹) نام برد.

به این ترتیب، عصر شکوفایی ادبیات کودک در ژاپن آغاز شد. این شکوفایی با سرازیر شدن کتاب‌های تازه و گوناگون از آن سوی دریاها و توجه خاص برای ایجاد رفاه و زمینه‌های پیشرفت برای کودکان، تقویت شد.

در سال ۱۸۹۱، کتاب‌هایی به نام «کوگان مارو»، نوشته ایویا سزانامی، در ۳۲ جلد از سری کتاب‌های ادبیات نوجوانان چاپ شد. این سری داستان، جزء اولین قصه‌های معاصر کودک در ژاپن به شمار می‌رفت. گرچه ایویا گفته است که برای نوشتن کوگان مارو، از ادبیات کلاسیک، چون شعر حماسی «رویه راینک»، نوشته «گوتته، برادران گریم و آندرسن به همان اندازه داستان‌های عامیانه ژاپنی الهام گرفته است» با این همه حاصل کار، هنوز همان ترکیب خشک و کسل‌کننده فئودالی را دارد. در واقع، داستان‌ها باز هم نقل همان موضوع تکراری است که مثلاً

یک سگ چطور از یک روباه و ببر، به خاطر کشتن پدر خود، انتقام می‌گیرد. با این که از مدت‌ها قبل گرایش استفاده از نثر محاوره‌ای در ادبیات، فراگیر شده بود، راوی داستان هنوز هم از همان سبک نگارش خشک سنتی که در نوشته‌های رسمی ژاپنی مرسوم است، استفاده کرده بود. با همه این‌ها، این اثر محبوبیت خاصی پیدا کرد و ایوایا می‌رفت که به عنوان نویسنده‌ای پیش‌تاز در زمینه ادبیات کودک معرفی شود. او سری کاملی از داستان‌هایی را که بر مبنای داستان‌های عامیانه و داستان‌های دیگر نوشته شده بود، از ژاپن و کشورهای دیگر جمع‌آوری کرد و به تازه‌ترین سبک نگارش ادبی داستان‌های عامیانه، در فرهنگ خود بازنویسی کرد. کتاب «داستان‌های قدیمی ژاپن» در ۲۴ جلد، به زبان انگلیسی ترجمه شد و در سال ۱۹۰۳ انتشار یافت. این کتاب در ژاپن، خوانندگان بسیاری دارد.

به دلیل هجوم سریع اطلاعات و دانش نوین از غرب، فرهنگ ژاپنی دستخوش تغییرهای اساسی شده، اما زندگی روزمره مردم عادی، هنوز هم براساس همان دیدگاه‌های پیشین استوار بود و احتمالاً باز هم مانند گذشته، بیشتر کودکان از خواندن کتاب داستان‌های تصویری و دیگر کتاب‌های قدیمی لذت می‌بردند. با وجود دستاورد مهم این دوره، یعنی چاپ کتاب کودک در سال ۱۹۱۱، آغاز انتشار داستان‌های «تاتسوکاوا» از سری داستان‌های عامه‌پسند، درباره قهرمانان بزرگ ملی بود.

مکتب ساده‌نویسی

یکی از اثرهای جنگ جهانی اول بر اقتصاد ژاپن، به تحرک درآوردن این صنعت بود و اشاعه عقاید دمکراتیک (مردمی) برگرفته از فرهنگ غرب، چنان شکوفایی‌ای را به بار آورد که حاصل آن رشد طبقه ثروتمند شهری بود. در حالی که در دوره می‌جی، به کودکان چنان اهمیت داده می‌شد که آن‌ها را چون منابع انسانی کارا در جهت ایجاد کشوری نوین، قوی و ثروتمند که قدرت برابری با غرب را داشته باشد، به حساب می‌آوردند، در دوران تایشو (۱۹۲۶-۱۹۱۲)، نویسندگی برای کودکان به سبب قلب پاک این نونهالان که هنوز با تجربه‌های زندگی آلوده نشده بود، شکلی آرمان‌گرایانه پیدا کرد. طبیعی بود که با ایجاد این تغییر در بینش افراد، ادبیات کودک نیز تحت تأثیر قرار بگیرد. دیگر نویسندگان کتاب‌های کودک، از نوشتن داستان‌های آموزشی و عامه‌پسند، مانند داستان‌های ایوایا دست کشیدند و به خلق داستان‌های پخته‌تر، همراه با ظرافت‌های هنری بیشتر روی آوردند.

«مجله پرند سرخ» (۱۹۲۹-۱۹۱۸)، به سردبیری سوزوکی می‌کی چی را می‌توان پیش‌تاز این نهضت نامید. سوزوکی از نوشته‌های نویسندگان صاحب نام ادبیات بزرگسال، ترجمه قصه‌های عامیانه خارجی، داستان‌های کودک و حمایت نویسندگان، شاعران و هنرمندان بسیاری بهره‌گرفت. هم‌چنین، مجله پرند سرخ، کودکان را تشویق به خلق آثار برجسته کرد و سپس نوشته‌ها، شعرها، نقاشی‌ها و طرح‌های خود بچه‌ها را چاپ و منتشر کرد. تقریباً در همین زمان، تعداد دیگری از نشریه‌های کودک با کیفیت بهتر انتشار یافت؛ مانند مجله‌های «کشتی طلا»، توسط انتشارات «کین نوتسنو» (۱۹۲۲-۱۹۱۹). «داستان‌هایی برای کودکان» توسط انتشارات «کوئمو» (۱۹۲۶-۱۹۲۰)، مجله‌های مصور «دوست بچه‌ها»، از سوی انتشارات «فونچین نوتومو» (۱۹۴۳-۱۹۱۴) و «سرزمین بچه‌ها»، توسط انتشارات «توکيو» (۱۹۴۴-۱۹۲۲).

جنبش هنر به خاطر هنر، دوره‌های جدیدی را در ادبیات کودکان به وجود

**امروز ژاپن می‌کوشد برای نوسازی،
با فرهنگ و مؤسسات غربی، ارتباط برقرار کند.
ژاپن قاطعانه در جهت سازمان‌دهی کشوری
به مراتب قوی‌تر و ثروتمندتر از هر کشور غربی
گام برمی‌دارد. رژیم جدید،
تمام نیروی خود را روی تعلیم و تربیت
نسل جوان متمرکز کرده است و
به علاقه‌مندی‌های کودکان در جامعه
توجه نشان می‌دهد**

**در ده سال گذشته، اغلب شنیده می‌شد
ادبیات کودک ژاپن به بن‌بست رسیده است.
وضعیت دشواری که ادبیات با آن مواجه است،
تا حدودی به دلیل تغییر فرهنگ نوجوانان ژاپن است**

آورد. می‌توان گفت در این دوره فعال‌ترین حرکت انتشار کتاب‌های شاعری به نام کی تاهاارا هاکوشو (۱۹۴۲-۱۸۸۵) و هنرمندانی چون اکاموتوکی‌ئی چی (۱۹۳۰-۱۸۸۸)، شی می‌زویوشیو (۱۹۵۴-۱۸۹۱)، تاک هیسا یومجی (۱۹۳۴-۱۸۸۴)، تاکتی تاکتو (۱۹۸۳-۱۸۹۴) و هاتسویاماشی گرو (۱۹۷۳-۱۸۹۷) بود. در این دوره، نه تنها مجله‌های کودک از کیفیت چاپی خوبی برخوردار بودند، بلکه کتاب‌ها نیز از این تغییر کیفی دور نماندند. کتاب‌ها دارای مجموعه داستان‌های شیرین (با ترجمه‌های خوب)، قصه‌های عامیانه و قصه‌های قدیمی برگرفته از منابع ژاپنی و خارجی، همراه با تصویرهای زیبایی بودند که به خوبی هم صحافی شده بودند. یکی از این نوع کتاب‌ها به سری کتاب‌های «کتابخانه‌های خانوادگی» که در ۲۴ جلد چاپ شد، نام داشت. چنین مجله‌ها و کتاب‌هایی که از نظر زیبایی نیز کیفیت بالایی داشتند، به دلیل قیمت زیادشان، بیشتر به دست کودکان طبقه مرفه در شهرهای بزرگ می‌رسید. بروز این علاقه شدید در زمینه ادبیات، باعث ظهور برخی از نویسندگان داستان‌های کودک شد که شروع عصر نوینی را نوید می‌داد. آگاوامی می (۱۹۶۱-۱۸۸۲)، ابتدا نویسنده‌ای نئورمانتیک با تأثیرهایی از سوسیالیسم بود، اما به سوی نوشتن داستان‌های ایده‌آلیستی (آرمان‌گرایانه)، یعنی داستان‌هایی که روی کودکان تأثیر خاص می‌گذارد، روی آورد. از کارهای مطرح وی می‌توان به دو داستان «شمع قرمز و پری دریایی» و «رز وحشی» اشاره کرد. هامادا هیرسوک (۱۹۷۳-۱۸۹۳)، نویسنده صاحب نام در زمینه ادبیات خردسالان که بر داستان‌های هانس کریستین آندرسن، تفسیری احساسی نوشت، به سبب خلق داستان‌هایی چون «رویای سار» و «شیطان قرمزی که گریه کرد»، مشهور است. این داستان‌ها و برخی دیگر از داستان‌های ژاپنی کودکان که در این دوره نوشته شد، بر اساس بینش واقع‌بینانه استوار نبود، بلکه بر اساس تصوراتی تحسین‌آمیز روح بی‌آلایش کودکان نوشته شده بود. این دوره هم‌چنین، شرح

**شرایط حاکم بر ادبیات کودک در ژاپن،
با شروع رکود اقتصادی و به عرصه رسیدن
جنبش‌های سوسیالیستی و
سرکوب این جنبش‌ها توسط
نیروهای نظامی، دستخوش
تغییرهای بنیادی شد.
کتاب‌های کودکان از نهضت
ادبیات پرولتاریایی (کارگری)
الهام گرفت و از اتاق‌های تاریک
آرمان‌گرایانهٔ زیباشناسی
درآمد**

**در سال ۱۸۹۱، کتاب‌هایی به نام «کوگان مارو»،
نوشته ایویا سزانامی، در ۳۲ جلد از سری کتاب‌های
ادبیات نوجوانان چاپ شد. این سری داستان،
جزء اولین قصه‌های معاصر کودک در ژاپن به شمار می‌رفت**

نسبت به جهان شروع می‌شود و با حساسیتی خاص، به سوی چشم انداز طبیعی بینش آبا و اجدادی خود پیش می‌رود. حالا دیگر کتاب‌های میازاوا، در میان خوانندگان ژاپنی، هواخواهان بسیاری دارد و تا کنون به چندین زبان ترجمه شده‌اند.

پایان عصر نوین

با وجود کوشش‌های نویسندگان و تصویرگران برای بالا بردن کیفیت کتاب‌های کودک، در اولین دهه‌های قرن بیستم، بزرگسالان به خواندن کتاب برای کودکان، علاقه کمی نشان می‌دادند. در آن زمان، تعداد کتابخانه‌ها زیاد نبود و خرید کتاب، هم در مناطق روستایی و هم در شهرها محدود بود. شاید کودکی از طبقهٔ متوسط، کتاب یا مجله‌ای را در جشن تولد یا به مناسبت خاصی به عنوان هدیه دریافت می‌کرد.

شرایط حاکم بر ادبیات کودک در ژاپن، با شروع رکود اقتصادی و به عرصه رسیدن جنبش‌های سوسیالیستی و سرکوب این جنبش‌ها توسط نیروهای نظامی، دستخوش تغییرهای بنیادی شد. کتاب‌های کودکان از نهضت ادبیات پرولتاریایی (کارگری) الهام گرفت و از اتاق‌های تاریک آرمان‌گرایانهٔ زیباشناسی درآمد. در سال ۱۹۳۸، دولت کنترل شدیدی را بر فرهنگ کودکان اعمال کرد و ادبیات کودک در ژاپن، وارد دهه تاریکی شد که تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه یافت.

جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۵ پایان یافت و سیستم نظامی ژاپن، جای خود را به ایدئولوژی فراملی داد و ملتی با افکار دمکراتیک پا به عرصه وجود گذاشت. مانند آن چه در چند نسل پیش، یعنی دوره اصلاحات می‌جی به وقوع پیوست، شکست‌های حاصله در یک رشته از تغییرهای اساسی، نه تنها مسائل سیاسی و اقتصادی، بلکه زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم عادی را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داد.

آزادی نویسندگان کتاب کودک، به شدت تحت کنترل قانون بسیج ملی پس از دوران جنگ درآمده بود. همین که این قانون لغو شد، نویسندگان کتاب‌های کودک، برای برآوردن نیازهای نسل جدید، به رقابت با یکدیگر پرداختند. به این ترتیب، جنبش دمکراتیک ادبیات کودک، آغاز شد. دیگر جوانان، مایه امیدواری ملت برای بازسازی خرابی‌های دوران جنگ بودند و چون نیرویی قدرتمند، حامی ملتی آزاد و صلح‌جو به حساب می‌آمدند.

اما بیشتر کتاب‌های کودک، در چارچوب ایدئولوژی جدید قرار گرفتند؛ یعنی بدون توجه به جذب قوهٔ تخیل کودکان، قالب داستان‌های سنتی را پذیرفتند. به همین دلیل، بعد از اندک زمانی، کتاب‌های فکاهی و مجله‌های سرگرم‌کننده، محبوبیت زیادی پیدا کردند.

با این همه، اولین داستان مطرح کودک در ژاپن، در سال‌های اول پس از جنگ (۱۹۴۷) به چاپ رسید.

داستان «نان چان سوار بر ابر»، نوشتهٔ ای شی ئی موموکو، ماجرای دختر هشت ساله‌ای است که از روی درخت توی برکه می‌افتد و هوشیاری خود را از دست می‌دهد. بعد از این اتفاق، در آسمان شناور می‌شود و به کمک مردی که سوار بر قایقی به شکل ابر است، نجات می‌یابد. با او دربارهٔ خود و خانواده‌اش صحبت می‌کند و برایش می‌گوید که چه کسی است. نان چان آگاهانه درمی‌یابد که تغییر کرده و انسان دیگری شده است. این خودانگیختگی، یعنی بی‌ریایی کودک، دیدگاه مثبت و صمیمانه فطرت انسانی و شوخ طبعی دلنشین موجود در سرتاسر داستان،

احساس‌های خالص و بی‌گناه دوران کودکی بود؛ احساسی که از حسرت از دست دادن کودکی بزرگسالان، ریشه می‌گرفت.

با این همه، کیفیت کتاب‌ها و مجله‌هایی که توسط هنرمندان و نویسندگان مختلف منتشر می‌شد، بالا رفت؛ چرا که همگی معتقد بودند کتاب‌های کودک باید از نظر زیبایی، از استاندارد بالایی برخوردار باشند. این دوران طلایی ادبیات کودک در ژاپن، زمینه‌ساز پیشرفت‌های هنری بعد از آن شد. بسیاری از کتاب‌هایی که در ابتدای آن دوره چاپ شد، بارها به شکل داستان‌های چند قسمتی، به نام نویسندگان آن‌ها و به شکل‌های دیگر انتشار یافته است.

با وجود این، متأسفانه خوانندگان این کتاب‌ها بیشتر بزرگسالانی مانند محققان و افرادی که علاقهٔ خاصی به ادبیات کودک دارند، هستند. در این دوره، استفاده از شخصیت‌ها، روند داستان و شکل کلی داستان‌های کودک برگرفته شده از منابع ژاپنی، کنار گذاشته شد و بیشترین تلاش برای جلب قوهٔ تخیل کودکان به کار گرفته شد. در آن سال‌ها تعداد بیشتری از نشریه‌های کودک شروع به کار کردند. به طور مثال، مجله‌های «انجمن پسران»، «کودان‌شا» و «انجمن دختران» (هر دو در سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۱۴)، محبوب همگان شدند؛ به ویژه این که داستان‌های سرگرم‌کننده را به صورت دنباله‌دار چاپ می‌کردند؛ این داستان‌ها هنوز هم محبوبیت خود را از دست نداده‌اند.

این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت که تنها بعد از مرگ میازاواکنجی (۱۹۳۳-۱۸۹۶)، آشکار شد که او به راستی نویسندهٔ مطرح داستان‌های کودک در این دوره بوده است. میازاوا، شهرت خود را در این زمینه، با به جا گذاشتن اثرهایی چون «رستورانی با سفارش‌های بسیار»، «ماتاسایورای باد» و «قطار شب ستارگان» نشان داده است.

شعرها و داستان‌های میازاوا، با بهره‌گیری از قوه تخیلی قوی، از دیدگاه بودایی

این اثر را در شمار یکی از قدیمی‌ترین و محبوب‌ترین کتاب‌های کودکان و به همان اندازه بزرگسال، قرار داده است.

از داستان بلند مربوط به این دوره که می‌توان از آن یاد کرد، «چنگ نواز برمه»، نوشته تکیامی شو است. این داستان درباره تجربه‌های تلخ معلمی است که شاهد رفتن دانشجویان خود به میدان جنگ است. داستان در ارتباط با زندگی جوان بالاستعدادی است که چنگ می‌نوازد. او در جریان جنگ جهانی دوم، عازم جنگ در «برمه» می‌شود و بعد از جنگ، به عنوان راهب در آن جا می‌ماند تا روح هموطنان خود را که در کشوری بیگانه مرده‌اند، تسلی بخشد؛ نیایشی بی‌دغدغه برای بازگرداندن آرامش روح کسانی که در جنگ مرده‌اند. داستان چنگ نواز برمه، خوانندگان بسیاری پیدا کرد. این کتاب را می‌توان نمونه‌ای از ادبیات کودک پس از جنگ که موضوعی جنگی دارد، به حساب آورد.

در این بین، کتاب «دوازده جفت چشم»، نوشته تسویوی ساکارا را می‌توان جزء اولین داستان‌های واقعی که برای کودکان نوشته شده است، به حساب آورد. داستان، درباره زن جوانی است که به عنوان معلم به یک مدرسه ابتدایی، در جزیره کوچکی فرستاده می‌شود. پیوند او در سال‌های جنگ با دوازده شاگرد خود و شرح زندگی آن‌ها که بر اثر جنگ و مرور زمان دستخوش تغییر شده، مضمون اصلی این داستان است. دوازده جفت چشم، داستان سوزناکی است که جنگ را به یاد انتقاد می‌گیرد. البته نه به شکل شعاری، بلکه با نشان دادن تصویری واقعی از زندگی روزانه مردم عادی.

این سه داستان، در بین مردم عادی با استقبال فراوانی رو به رو شده‌اند تا جایی که نزد آن‌ها جزء ادبیات ملی به حساب می‌آیند. اما هنگامی که ادبیات کودک در ژاپن وارد مرحله رکود شد، بعضی از کتاب‌های منتشر شده، از کیفیت چندانی برخوردار نبودند.

با وجود این، در آغاز دهه ۱۹۵۰، ترجمه ادبیات خارجی کودک به زبان ژاپنی، به اوج خود رسید. اوانامی شوتن، نویسنده‌ای که قبل از جنگ نیز به دلیل خلق آثار متفکرانه که از کیفیت خردمندانه‌ای برخوردار بودند، مشهور بود، شروع به نوشتن یک سری داستان کرد که موضوع‌های‌شان را از ترجمه‌های خلاصه نشده ادبیات کودک در کشورهای غربی می‌گرفت. این موضوع‌ها نه تنها آثار کلاسیک، مانند «جزیره گنج»، بلکه آثار معروف معاصر را نیز دربرمی‌گرفت. به علاوه، برای جذب قوه تخیل کودکان ژاپنی، معرفی آثاری از اریک کسترن، هیو لافیتینگ، سی، اس، لوئیس، آسترید لیندگرن و دیگران، محرک عظیمی در زمینه نویسندگی، تصویرگری و به همان اندازه انتشارات ادبیات کودک، در ژاپن به حساب می‌آمدند. در این بین، کسانی که دارای تخیل خلاق بودند و با خواندن این آثار به شدت به هیجان می‌آمدند، همان کودکانی بودند که بعدها، خود نویسندگان کتاب‌های کودک شدند. گردآورنده این سری کتاب‌ها که پیش از این به او اشاره کردیم، اشی ئی موموکو است. وی هم‌چنین، به دلیل ترجمه کتاب‌هایی چون «وینی پوه»، «باد در بیدزار» و داستان‌های دیگری از نویسندگان انگلیسی و امریکایی، چون النور فارجیون، بئاتریکس پاتر و ویرجینیالی برتون به زبان ژاپنی روان که ویژگی متن اصلی را نیز از دست نداده است، شهرت دارد. کوشش‌های متعهدانه وی در زمینه نویسندگی و ترجمه، تأثیر عمده‌ای بر ادبیات کودک در ژاپن، پس از دوران جنگ بر جای گذاشته است.

در سال ۱۹۶۰، اشی ئی برای انتشار مجموعه «کودک و ادبیات» با متخصصین دیگری شروع به همکاری کرد. در خلق این اثر بزرگ که ویژگی آن استفاده از منابع ادبیات کودک در اروپا و امریکا بود، اشی ئی از ادبیات معاصر کودک در ژاپن، به دلیل نادیده گرفتن نیاز واقعی کودکان، انتقاد کرد. او معتقد بود کتاب‌های کودک باید جذاب بوده، بیانی روشن داشته و فهم آن نیز آسان باشد. از کسانی که به او پیوستند، می‌توان از نویسندگان و منتقدان جوانی چون فروتا تاروهی و توریگوشین نام برد. این گروه به حمایت از نوآوری در زمینه ادبیات کودک، در جهت اصلاحات اجتماعی پرداختند؛ یعنی کودک و جامعه‌ای که کودکان به معنای واقعی در آن زندگی می‌کنند را درک کردند و به ارائه همان واقعیت‌ها در کتاب‌های

کودک همت گماشتند. بعدها این دو نظریه، پایه‌گذار رشد خلاقیت در زمینه ادبیات کودک در ژاپن شد.

شکوفایی ادبیات معاصر کودک

هم‌زمان با سال‌های دهه ۱۹۵۰، ادبیات کودک در ژاپن، سال‌های رکود را پشت سرگذاشت و به دنبال یافتن راهی هموار در دوره معاصر بود. ادبیات کتاب‌های تصویری کودک، در نیمه‌های دوم دهه ۱۹۶۰، گام‌های بلندی در جهت شکوفایی برداشت. این شکوفایی، در سایه رشد اقتصادی، تشویق هر چه بیشتر کودکان به مطالعه با کمک خانواده (یا جنبش مطالعه کودک و اولیا)، همکاری مردم در جمع‌آوری کمک‌های مالی برای فراهم آوردن امکانات کافی برای تشکیل کتابخانه‌ها و ابتکار عمل‌های مختلف دیگر به دست آمده است. در نتیجه، کتاب‌های تصویری ژاپنی کودکان، با کسب جایزه‌های بین‌المللی، توجه جهانیان را به خود جلب کردند: جایزه بزرگ تصویرگری برائیسلاوا در سال ۱۹۶۷، توسط سگاواایاسوا، جایزه بزرگ بولونیا در سال ۱۹۷۱، توسط تانیوچی کوتا، مدال تصویرگری آندرسن در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ توسط آکاباسوئی کی چی و آنومیسوتوماسا.

امروزه، نمایشگاه‌های زیادی از کتاب‌های تصویری برپا می‌شود. کتاب‌های هنرمندانی نظیر ایواساکی چی هیرو، سوکی تاپوتاکا، تاشی ماسی زو، هایشی آکیکو و دیگران در کشورهای مختلف ترجمه و منتشر می‌شوند. کتاب‌های غیر داستانی کودک در ژاپن که اغلب زمینه‌های علمی دارد، هر روز بیشتر و بیشتر مورد توجه سایر کشورها قرار می‌گیرد و به خصوص در دیگر کشورهای آسیایی، به زبان‌های مختلف ترجمه می‌شوند. بعضی داستان‌های خاص نوجوانان، جزء آثار ادبی جالب ژاپنی هستند که برای جوانان نیز چاپ می‌شوند.

می‌خواهم این گزارش را با مرور کوتاهی از وضعیت کنونی ادبیات کودک در ژاپن، به پایان برسانم. براساس گزارشی تحت عنوان «کودک و کتاب خوانی» که به تازگی توسط «کانون ملی ارتباط خانواده‌های کتابخوان و کتابخانه‌های خصوصی محلی» به چاپ رسیده. ۲۸۵۷ عنوان کتاب کودک، در سال ۱۹۹۳ منتشر شده است. اگر چه این رقم از آمار سال قبل کمتر است، با اطمینان می‌توان ادعا کرد انتشار کتاب‌های کودک، هنوز در اوج شکوفایی است، البته در ده سال گذشته، اغلب شنیده می‌شد ادبیات کودک ژاپن به بن‌بست رسیده است. وضعیت دشواری که ادبیات با آن مواجه است، تا حدودی به دلیل تغییر فرهنگ نوجوانان ژاپن است. جامعه امروزی ما، با هجوم اطلاعات رو به رو است. به علاوه، به توجه به اهمیت سرعت در زندگی شهری مردم مشرق زمین در عصر معاصر، بسیاری از کودکان، برای کسب مدرک‌های علمی، با یکدیگر رقابت می‌کنند. آن‌ها وقت کمی برای کتاب خواندن دارند. از طرفی، آن‌ها سرگرمی‌های جذاب‌تری مانند بازی‌های ویدیویی، کتاب‌ها و مجله‌های طنز در اختیار دارند. در این میان، معیار ارزش‌یابی‌ها تغییر کرده است. نویسندگان و ناشران، ارتباط خود را با واقعیت‌هایی که نوجوانان در زندگی با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند، از دست داده‌اند. از سوی دیگر، ما با کتاب‌های ضعیف بسیاری مواجه هستیم که کودکان به همان اندازه بازی‌های ویدیویی یا کتاب‌های طنز، از خواندن آن‌ها لذت می‌برند. از طرف دیگر، کتاب‌هایی وجود دارد که برای حل مشکلاتی می‌کوشند که کودکان انتظار دارند بزرگ‌ترها توجه بیشتری به آن‌ها نشان دهند؛ مانند رقابت بیش از حد و دیگر مشکلات نظام آموزشی، طلاق، پیری و محیط.

به بیان دیگر، تعداد کمی کتاب وجود دارد که می‌تواند از هر لحاظ توجه کودکان را به خود جلب کند. کتاب‌های برجسته بسیاری در زمینه ادبیات کودک به چاپ رسیده‌اند، اما نویسندگان باز هم در جست‌وجوی موضوع‌های تازه‌ای هستند. این بار می‌خواهند کشف کنند که کودکان امروز، در جست‌وجوی چه چیزی هستند و ادبیات کودک نسل جدید، باید چه ویژگی‌های داشته باشد.